

حقوق اسیران جنگی در رویکرد پیامبر اکرم(ص)؛ از نظر تا عمل با تاکید بر موازین حقوق بشردوستانه در اسلام

محمد زرشگی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۷

چکیده:

دین اسلام به عنوان دین صلح و مودت نه تنها نسبت به موضوعات مرتبط با جنگ، اهداف، مبانی و اصول آن سکوت نکرده است، بلکه با یک سبقه تاریخی چهارده قرنیه که از عملکرد پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) می‌توان بدان دست یافت و با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی خاص آن دوران توانسته است در این عرصه پیشرو بوده و در پرتو الزام به ضمانت اجرای موثر جهت تضمین حقوق اسیران جنگی در مقام عمل(نه صرفاً تئوری و نظر) گام بردارد. در تاریخ اسلام رویدادهای بسیاری وجود دارد که مبین نحوه رفتار انسان دوستانه پیامبر اکرم(ص) در مقابل رزمندگان دشمن است که به اسارت درآمده‌اند. سوال اصلی تحقیق حاضر این است که در جنگهای دوران پیامبر اکرم(ص) حقوق اسیران جنگی واجد چه وضعیتی بوده است؟ در پاسخ می‌توان چنین نگاشت که آموزه‌های دینی اسلام در زمینه رعایت حقوق اسیران جنگی در تئوری و رویکرد پیامبر اکرم(ص) به خوبی تبلور یافته و پایه‌های فکری حقوق بشردوستانه اسلام در نظر و عمل متعالی و کارآمد است و مصادیقی چون: رفتار انسانی با اسرا، آزادی انجام فرائض دینی، آزادی انجام کار(نه الزام آن)، حق بر خوراک، پوشاک، بهداشت و اسکان مناسب که واجد پشتوانه ایمانی و اعتقادی می‌باشد و در آن انگیزه-های الهی و اخروی نهفته است به وضوح موید وضعیت حاکم بر اسرای جنگی در آن دوران است. در پژوهش حاضر با توجه به محتوای آن از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

واژگان اصلی: حقوق بشردوستانه اسلام، حق بر احسان، اسیر جنگی، حقوق اسیران جنگی، اصل تفکیک.

۱. استادیار گروه حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

موضوع صلح و جنگ یکی از مسائلی است که با حیات بشر طول عمر یکسان داشته، چنان که ضرب‌المثلی می‌گوید: جنگ و صلح مثل دنیای ما کهنه است با این تفاوت که بسیاری از موضوعات کهنه دنیای ما، امروزه دیگر محل گفتگو نیست. اما این مساله هیچ گاه از به روز بودن خود خارج نشده و همیشه مورد توجه دولت‌ها و ملت‌ها است. در واقع جنگ پدیده‌ای عجین شده با حیات بشر است و سرنوشت بشر با آن گره خورده است.

در اسلام، جنگ تجاوزگرانه و جنگ به قصد انتقام‌جویی و خونریزی (بقره، ۱۹۰-۱۹۴)؛ جنگ بدون دعوت به حق و اتمام حجت (نحل، ۲۵؛ عنکبوت، ۴۶؛ طه، ۱۳۴)؛ جنگ پس از قبول اسلام؛ جنگ با کسانی که آمادگی انعقاد قرارداد صلح را دارند (ممتحنه، ۸-۹)، جنگ برای سلطه طلبی و کسب قدرت (قصص، ۸۳؛ نهج‌البلغه، ۱۴۱۴: ۱۵۱- خطبه ۱۳۱)، و کسب منافع مادی و به دست آوردن غنیمت (نساء، ۹۴) و تحمیل عقیده (بقره، ۲۵۶؛ یونس ۹۹) ممنوع است. لذا جنگ در اسلام راهبرد نبوده، بلکه یک فن است. به بیانی دیگر جنگ نه راهبرد مدیریت، بلکه فنی از فنون آن است. نقطه تمایز این دو آن است که اگر بگوییم جنگ راهبرد است، با این تفسیر تعطیل بردار نبوده، چرا که یک قاعده و اصل است و همواره باید در برنامه‌ریزی‌ها به عنوان یک اصل دیده شود. همانگونه که امروزه شاهد هستیم، بعضی کشورهای قدرتمند از جنگ به عنوان یک راهبرد در سیاست خارجی خود استفاده نموده و در همه دوران، نظامیان خود را برای جنگ و منازعه به مناطق مختلف دنیا روانه می‌کنند و مدام در حال منازعات خونین هستند؛ اما اگر جنگ را فن بدانیم، در این صورت به عنوان یک شیوه از شیوه‌های متعدد به آن نگریده می‌شود که چه بسا اهمیت آن از راههای دیگر بسیار کمتر باشد و در آخرین درجه اولویت بندی قرار گیرد؛ لذا ضرورتی نیست که همیشه جنگی در میان باشد و رزمندگان مدام در حال جنگیدن و بودجه‌های سنگین صرف جنگ شود؛ چرا که جنگ اصل نیست. در دین اسلام مشاهده می‌کنیم که پیشوای یک جامعه مسلمان اگر از هیچ شیوه‌ای به نتیجه متعالی نرسد، اقدام به جنگ می‌نماید. در حقیقت جنگ به عنوان فن آخر مورد توجه است. در اسلام جنگ هیچ زمانی ذاتاً اصل نبوده بلکه شیوه‌ای است جهت حصول به اصول، که مهمترین آنها نیز هدایت بشر به سوی آمال فطرتشان است، آن هم نه در پرتو زور، شمشیر و استیلا، بلکه در سایه تامل و تفکر (احسانی فر، ۱۳۹۲: ۵۸). یقیناً بهترین معیار جهت سنجش عقاید هر شخص یا گروهی رفتار آن شخص یا گروه است. آن چیزی که از جانب یک فرد یا گروه بیان می‌شود تا حد زیادی در شناخت از آنها موثر است، چرا که قاعده‌تأییدات بیانگر درونیات اشخاص و

آینه تفکرات آنها است، به عبارتی دقیق تر، باید باشد. اما همیشه به این صورت نیست که اشخاص آن طور که می‌اندیشند، صحبت کنند و هر آن چیزی را که به آن معتقد هستند آشکار نمایند بلکه در بسیاری از مواقع منفعت طلبی، مصلحت‌سنجی و... از جمله عواملی هستند که منجر به تفاوت میان اعتقاد و گفتار اشخاص می‌شوند اما اگر اعمال انسانها در تمام دوران حیاتشان مورد ارزیابی قرارگیرد، نوعاً بیانگر شیوه تفکرات آنها نیز خواهد بود.

در همین راستا باید افزود که پیامبر اکرم (ص) نخستین شخصیتی در جهان هستند که به تبیین جامع و کامل قواعد و مقررات عادلانه جنگ در منازعات صدر اسلام پرداخته و در مقام عمل نیز به رعایت کامل این حقوق و مزایا پرداختند و برای اسرا حق زندگی را به رسمیت شناختند. پس از رسول اکرم (ص) جانشین به حق ایشان حضرت علی (ع) راه ایشان را ادامه داده و متعاقباً سایر ائمه شیعه و خاندان اهل بیت (ع) به تبیین حقوق و احکام اسیر پرداختند.

۱- مفهوم اسیر در اصطلاح فقه و حقوق اسلامی:

اصولاً مفاهیم اصطلاحی ریشه در معانی لغوی کلمات دارند، چرا که در استخدام واژگان برای معانی مصطلح، تناسب بین معنای لغوی با مفهوم اصطلاحی ضروری است. هرچند نسبت بین این دو ممکن است به نحو عام و خاص یا مطلق و مقید باشد، البته گاهی نیز در طول زمان بین مفاهیم اصطلاحی و معنای لغوی واژه فاصله می‌افتد. اما این امکان در خصوص مفهوم اصطلاحی و معنای لغوی اسیر در فقه و حقوق اسلامی رخ نداده و شاید به همین جهت است که فقهای مسلمان کمتر در مقام تعریف اسیر برآمدند. با این وجود برخی منابع اسلامی اسیر را این گونه تعریف کرده‌اند: «فاما الاسرى فهم الرجال المقاتلون من الكفار اذا ظفر المسلمون بأسرهم»، بر مبنای تعریف مذکور، اسیر به مردانی از سپاهیان کفار گفته می‌شود که در جنگ با مسلمانان توسط ایشان دستگیر و گرفتار شده‌اند. زنان و کودکانی نیز در اختیار سپاه اسلام قرار می‌گیرند «سبی» و در جمع «سبایا» گفته می‌شود. عده ای از فقها نیز به طور عام اسیر را بر مردان، زنان، سالخوردگان و کودکان کافر یا مسلمانی قابل اطلاق دانسته‌اند که در جنگ یا در غیر جنگ توسط مسلمان یا غیر مسلمان گرفتار می‌شوند. اما به لحاظ حکمی، زنان، سالخوردگان، کودکان و به طور کلی همه اشخاصی که در عداد رزمندگان دشمن نیستند، اگر در اختیار سپاهیان اسلام قرار گیرند، اسیر به شمار نرفته و مشمول احکام ویژه اسیران نخواهند بود (زحیلی، ۱۴۱۹: ۴۲۹؛ علامه طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۳۴).

۲- تبیین و تحلیل جنگ و حقوق اسیران جنگی از دیدگاه رسول اکرم (ص):

دین اسلام همچون سایر ادیان الهی بر پایه فطرت انسان بنا شده و همواره بر اصل برابری و عدالت میان انسان‌ها فارغ از هرگونه تبعیض و تمایزی تأکید کرده است (مقامی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲) که البته در نظام هنجاری اسلام و غرب تفاوت‌هایی وجود دارد که می‌توان آنها را ناشی از دو جهان‌بینی متفاوت و مبانی فلسفی، کلامی و تجربیات تاریخی متمایزی دانست (محمودی کیا، ۱۴۰۰: ۱۶). در همین راستا نیز پیامبر اکرم (ص) جنگ و لشکر کشی را تنها راه حل مسئله ندانسته بلکه آن را آخرین راه حل می‌دانستند. جنگ‌های اسلام عموماً یا برای دفاع در برابر تجاوز بوده و یا برای برداشتن موانع از سر راه بیداری مردم و یا برای رفع استضعاف مردم بوده است، چنان که علامه شیخ محمد جواد بلاغی نیز گفته است: «همه جنگ‌های رسول اکرم (ص) دفاع در مقابل تجاوز مشرکان ستمکار بود که از توحید و شریعت و مسلمانان حمایت می‌کرد و با این وصف او در دفاع خود بهترین راهی را که مدافعان می‌روند برمی‌گزید. قبلاً به موعظه می‌پرداخت و دعوت به صلاح و مسالمت می‌کرد و تمایل به صلح نشان می‌داد؛ و در حالی که می‌دانست او پیروز است، پیشنهاد ترک خصومت را می‌پذیرفت و قرارداد صلح را قبول می‌کرد» (بلاغی، ۱۹۹۳: ۲۳۸). جنگ بدر یک نمونه بارز از سیره پیامبر اکرم (ص) در پرهیز از جنگ ابتدایی است. ایشان توسط یکی از همراهان خویش پیغامی برای آن قوم فرستاد که به مکه بازگشته و دست از جنگ بردارند، اما آنها توجهی نکرده و مصر به جنگ بودند. لذا زمانی که جنگ را شروع کردند، پیامبر (ص) دستور دفاع و مقابله با حمله آنها را صادر نمودند (واقعی، ۱۴۰۵: ۶۰-۶۳). ایشان در خلال جنگ‌های تحمیلی این چنینی نیز کاملاً به قواعد انسانی و اسلامی پایبند بوده به نحوی که بعد از هر پیروزی در جنگ مردم به صورت دسته جمعی و کاملاً با میل و اراده و بدون هیچگونه اجبار و اکراهی به اسلام گرویدند. با فرض موارد مزبور باید اشاره نمود که تاملی در زندگانی پیامبر (ص)، علی‌الخصوص در مورد جنگ‌های ایشان که به مبحث حقوق اسیران جنگی نیز مرتبط می‌باشد، نشانگر آن است که پیامبر (ص) هرآنچیزی را که در تئوری فرموده‌اند، در مقام عمل نیز اجرا نموده و از آن عدول نکرده‌اند. در دورانی که ایشان در مدینه بودند، تقریباً ۸۵ غزوه و سریه رخ داد که در بسیاری از آنها هیچ کشت و کشتار و اسارتی واقع نشد، اما در تعدادی از آنها نیز اسارت صورت پذیرفت که کاملاً با رعایت حقوق انسانی آنها بود (زینی دحلان، ۱۴۲۱: ۳۵۶).

در مباحث پیش‌رو بنا داریم که به ارزیابی نحوه رعایت حقوق اسیران جنگی در دوران حضرت رسول اکرم (ص) پرداخته و سپس با مطالعه حقوق اسیران جنگی از نظر تا عمل در دوران ایشان و

مصادیق این حقوق به تحلیل رویکرد حضرت در خصوص اصل تفکیک و راهکارهایی که جهت آزادی اسرای جنگی از جانب ایشان ارائه می‌شد به ادامه بحث پردازیم.

۱-۲- تبیین مصادیقی از حقوق اسیران جنگی در دوران پیامبر اکرم (ص): رعایت یا عدم رعایت؟

کرامت ذاتی حیثیتی طبیعی است که در وجود انسان «بما هو انسان» به ودیعت نهاده شده و اسلام نیز بر آن تاکید نموده است (پروین و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۸). دین مبین اسلام بر رفتار توأم با احترام و احسان نسبت به اسرای جنگی تأکیدات فراوانی نموده است. خداوند کریم در آیه ۱۸۶ سوره مبارکه انفال با اسرا از صفاتی چون رحیم و غفور نام برده و با لحنی مهربانانه می‌فرماید: «ای پیامبر! به اسرایی که در دست شما هستند بگو: اگر خداوند در دل‌های شما خیر می‌داند، بهتر از آنچه که از شما گرفته شده، به شما می‌دهد و شما را می‌بخشد، چرا که خداوند آمرزنده و مهربان است». از دیگر سو فلسفه اسیرگرفتن نظامیان دشمن در حقوق بشردوستانه اسلامی، مانع شدن آنها از جنگیدن و دوران اسارت نیز دوران عدم بازگشت دوباره رزمنده به میدان جنگ است (احمدی میانجی، ۱۴۲۲: ۲۲۲). با این اوصاف جنبه‌های حمایتی و حقوق بشردوستانه اسلامی در خصوص اسرای جنگی بهتر قابل درک است.

رسول خدا (ص) همواره درباره اسیران سفارش به نیکی و خوش رفتاری می‌نمود، در جنگ بدر به اصحاب خود سفارش کرد که به اسیران احترام بگذارند و هنگامی که اسیری را به یکی از مسلمانان می‌سپرد تا او را چند روزی نگهداری کند، می‌فرمود: «احسن الیه» به او نیکی کن. ابوزهره گوید: «پیامبر (ص) آن قدر سفارش اسیران بدر را نمود که گویی آنان مهمان بودند نه اسیر» (ابوزهره، ۱۴۱۵: ۱۱۵).

۱-۲-۱- تکریم اسیران جنگی در رویکرد پیامبر اکرم (ص) حتی در خصوص جنایتکاران:

در سیره حضرت رسول (ص) آمده است که ایشان به قتل اسیر یهودی که به قتل محکوم شده بود، در گرمای آفتاب راضی نبوده و دستور دادند، او را به قتل نرسانند تا اینکه هوا مطبوع شود. با این تفاسیر چطور می‌توان بیان نمود که حضرت به حقوق اسیران جنگی راضی نبودند؟ به نحوی که در برخی روایات از سایه در کنار طعام و آب به عنوان حقوق اسیران جنگی نیز یاد شده است. آن چنان که جراح المدائنی از ابی عبدالله (ع) نقل می‌کند: «... ینبغی ان یطعم و یسقی و یظل و یرفق به، کافرا کان او غیره» (جمعی از پژوهشگران موسسه دایره المعارف الاسلامی، ۱۳۸۷: ۱۳۵) بدین معنا «شایسته می‌باشد که اسیر را اطعام کند و سایبانی برای او مهیا کند، همچنین با او مدارا کند چه کافر باشد چه غیر کافر».

۱-۲-۲- حق بر احترام و منع شکنجه اسیر:

اولین و مهمترین حق، رعایت احترام و حفظ شئون اسیر جنگی است. بنابراین به هیچ روی

شکنجه او مجاز نیست. از رسول خدا نقل شده است: «خدای متعال کسانی که مردم را در این دنیا شکنجه دهند، عذاب خواهد کرد». انزجار آن حضرت (ص) از شکنجه، در مساله سهیل بن عمرو عامری که خطیبی زبردست بود و هنر و استعداد والای خود را تماماً معطوف حمله به پیامبر (ص) و رسالت ایشان کرده بود، به نحو بارزی عیان است. عمر بن خطاب از رسول خدا خواست به او اجازه فرماید تا دندان‌های سهیل را درآورد تا او دیگر قادر به ایراد خطابه علیه رسول‌الله نباشد. پیامبر (ص) در پاسخ گفت: «من او را از شکل نخواهم انداخت، زیرا اگر چنان کنم، خداوند حتی مرا که رسول اویم از شکل خواهد انداخت» (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۳۰۳).

در باب رعایت احترام و منع شکنجه اسیران جنگی ایشان تاکید داشتند که شیوه نگهداری اسیران نباید طوری باشد که موجب وهن و آزار آنها شود. بیهقی روایت می‌کند: زمانی که سپاه اسلام در جنگ بدر عمومی پیامبر (ص) (عباس) را به اسارت گرفتند و دست و و پایش را محکم بستند (به نحوی که شب صدای ناله او بلند بود) مسلمان‌ها متوجه شدند که پیامبر (ص) از این امر ناراحت هستند، به همین علت دست و پای او را باز نمودند. این امر علی‌الظاهر عمومیت پیدا کرد؛ چرا که برخی از اسیران به همین دلیل فرار می‌کردند؛ مثلاً یک اسیر که در خانه عایشه بود، موفق به فرار شد (الزحیلی، ۱۴۱۹: ۴۰۹-۴۱۰). ولید بن ولید یکی دیگر از اسرای صدر اسلام می‌گوید: هنگامی که پیامبر (ص) قصد داشتند به مهاجرت از محلی به محل دیگر بپردازند خودشان پیاده می‌رفتند و اسیران را بر مرکب‌هایشان سوار می‌کردند (ابی‌الحدید، ۱۴۲۹: ۱۸۹). مصادیق فوق موید رعایت احترام و منع شکنجه اسرا در دوران حضرت رسول بوده است.

۳-۱-۲- حق بر اسکان مناسب اسیران جنگی:

در فقه اسلام در خصوص محل نگهداری اسیران حکم مشخصی وجود ندارد اما در سیره پیامبر (ص) می‌توان طریقه نگهداری از اسرا را برداشت نمود. ایشان در مدینه یک پادگان نظامی مشخصی جهت مستقر شدن طولانی مدت رزمندگان مسلمان و نیز محل مشخصی برای اسیران داشتند. به همین جهت اسیران را بین مسلمانان تقسیم نموده تا آنها را در خانه‌شان نگهداری کنند. همچنین ایشان اسرا را در منزل خودشان نیز نگه می‌داشتند. با این اوصاف اسیران در شرایط زیست عامه مسلمانان، به سر می‌بردند و در سلامت کامل بودند. نگهداری اسیران توسط مسلمانان به این معنا بود که علاوه بر حکومت اسلامی، آنها نیز در خصوص سلامت اسیران ضامن هستند. ابن‌ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه می‌نویسد: «خالد بن هشام» و «امیه بن حذیفه» دو تن از مشرکان مکه در

خانه «ام سلامه» و «سهیل بن عمرو» در خانه «سوده بنت زمعه» که از همسران پیامبر (ص) بودند، نگهداری می‌شدند (الزحیلی، ۱۴۱۹: ۴۰۹-۴۱۰). از رسول اکرم (ص) در رابطه با اسرای بنی قریظه نقل شده است که: ایشان فرمودند که «لا تجمعو علیهم حر هذا الیوم و حر السلاح قیلوهم حتی یبردوا» (حر عاملی، ۱: ۶۸: ۱۴۱۶). یعنی: آنها را در گرمای امروز و آتش جنگ جمع نکنید، بلکه وسط روز و در حالی که هوا خنک شود آنان را گرد آورید.

۴-۱-۲- حق بر سلامت و بهداشت اسیران جنگی:

در اسلام مقام سلامت در مرتبه بعد از ایمان و باور به خداوند مهربان قرار می‌گیرد (ستایش پور، احمدی، ۱۴۰۰: ۳). پیامبر اکرم (ص) اگر اسرایی که توان جسمانی کافی نداشتند را می‌یافتند و امکان معالجه آنها نبود به سوی خویشاوندانشان رهنمون می‌ساختند تا معالجه شوند. از تأکیدات فراوان آیات و روایات بر لزوم تضمین بهداشت به صورت عام و مطلق و عدم تخصیص آن به یک گروه خاص می‌توان به وجوب رعایت بهداشت برای اسیران دست یافت چرا که دین اسلام که همه حقوق اولیه یک انسان را برای اسرا در نظر گرفته است، چگونه ممکن است با وجود تأکیدات بسیار بر حفظ بهداشت، رعایت نمودن آن برای اسیران جنگی را منع نموده باشد؟ (رونور، ۱۳۹۳: ۸۱)

۴-۱-۵- حق بر اطعام مقدمانه و منصفانه اسیران جنگی:

پیامبر (ص) در راستای تکریم اسیران جنگی می‌فرماید: *ثَلَاثَةٌ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ... رَجُلٌ أَطْعَمَ الْمَسَاكِينَ وَالْأَسَارِيَ؛ سَهْ تَنْ دَرُ رُوزِ قِيَامَتٍ دَرُ سَايَةِ عَرْشِ الْهَيْ قَرَارِ دَارِنْدِ [از جمله] مردی که بیچارگان و اسیران را اطعام نماید (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۹۰-۹۱)* با تأکید پیامبر (ص) بر احسان و اکرام به اسیران، گاهی مسلمانان غذای خویش را به اسیر می‌دادند و این همان ایثاری است که معصومین (ع) از آن به بالاترین صفات انسانی و بالاترین مرتبه ایمان و اوج نیکوکاری نام برده‌اند. حتی پیامبر (ص) پس از پایان جنگ احزاب به مسلمانان فرمودند: *«بِه اسیران خود آب شیرین و گوارا بنوشانید و از غذای نیکو و لذیذ به آنان بخورانید» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۳۸)*. پیامبر (ص) می‌فرماید: *«کسی که برادرش زیر دست اوست باید از آنچه می‌خورد به او بخوراند و از آنچه می‌پوشاند به او بپوشاند و نباید زیادتز از توانایی او به او تکلیف کند»*. ابوالعاص بن ربیع و ولید بن مغیره از اسیران قریش که در بند مسلمانان بودند درباره رفتار مسلمانان با آنها می‌گویند: هرگاه غذا می‌خوردیم نان را که بسیار کم بود

^۱ الامام امیرالمومنین، علی (ع): «الایثار اعلی المکارم»، «الایثار حسن الاحسان و علی مراتب الایمان»؛ «الایثار غایه الاحسان».

به ما می‌دادند و مسلمانان خود تنها خرما می‌خوردند. گاه در دست بعضی فقط یک قطعه کوچک نان بود، و همان را هم به من می‌دادند (واقدی، ۱۴۱۴: ۱۱۸-۱۱۹). در صدر اسلام هنگامی که ثمامه بن اثال نزد مسلمانان اسیر بود، از خانه پیامبر (ص) برایش غذا و شیر می‌بردند و در جایی دیگر آمده است که رسول (ص) در جنگ بدر به اصحابش امر کردند: «اوصی اصحابه یوم بدر ان یکرمو الاساری فکانوا یقدمونهم علی انفسهم عند الغداء»، یعنی «ایشان به اصحابشان فرمودند: اسرا را گرمی بدارند ایشان نیز اسرا را در هنگام غذا بر خود مقدم می‌داشتند» (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۹۵)

۱-۶-۲- حق بر پوشاک اسیران جنگی:

حق بر پوشاک اسرای جنگی در دین اسلام مشمول حکم عمومی نیکی به اسرای جنگی است و به کرات مورد تاکید پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) بوده است. از جمله این مصادیق می‌توان به جنگ بدر اشاره نمود که حضرت رسول (ص) برای اسیری که فاقد لباس بوده دستور به تهیه لباس دادند و در روایت مقرر شده است که در روزی که اسیران جنگ بدر را خدمت پیامبر (ص) آوردند، عموی پیامبر (ص)، عباس لباس نداشت. حضرت برای او لباسی فرستادند تا این که لباس عبدالله بن ابی را به او پوشانیدند (احمدی میانجی، ۱۴۲۲: ۲۱۸). ایشان همچنین ضمن هدیه نمودن لباسی به سفانه دختر حاتم طایی بر وی منت گذاشته و او را آزاد نمودند و در خصوص اسیران جنگی حنین نیز دستور دادند که، برایشان لباس خریداری شود. در جنگ مزبور ایشان به بسر بن سفیان خزاعی دستور دادند که به مکه رفته و برای اسرای جنگی لباس مناسب و ارزشمند تهیه کند، به نحوی که هیچ اسیری بدون لباس نماند. بسر مطابق دستور پیامبر (ص) از مکه پوشاک خریداری نمود و همه اسرا را پوشانید (واقدی، ۱۴۱۴: ۹۴۲).

۱-۷-۲- اسیران جنگی؛ حق بر کار یا تکلیف بر بیگاری؟:

پیامبر گرامی اسلام (ص) بر منع بیگاری و حق بر کار اسیران جنگی هم در عرصه نظر و هم در عرصه عمل معتقد بوده‌اند. ایشان در جریان فتح فدک اسرا را به خدمت در باغها مشغول نموده و فرمان دادند که از محصولات باغستان‌ها به اسرای جنگی چیزی به عنوان حقوق و دستمزد پرداخت نمایند (استرآبادی، ۱۳۷۴: ۲۷۱). بر همین مبنا فقیهان نیز فتوا داده‌اند که مسلمانها حق ندارند در پرداخت حق الزحمه کارگران اسیر، به آنها خیانت کرده و در این راستا کوتاهی نمایند (زحیلی، ۱۴۱۹: ۲۱۲).

۱-۸-۲- حق بر احسان به اسیران جنگی در سیره پیامبر اکرم (ص):

حقیقت در نگاه دین، امری عینی و وجودی است، نه قراردادی که همواره در حال تغییر و تحول

باشد (رحمانی تیرکلایی، ۱۴۰۱: ۷). دین اسلام کاملاً به موضوع اسیران جنگی و مدارا با آنها توصیه نموده است؛ چنانکه احسان به اسرای بدر از جمله سفارشات موکد پیامبر (ص) بود. برخی از محققان، رفتار مسلمانان را با اسرا خیلی متفاوت از رفتار غیرمسلمانان نمی‌دانند. اما حقیقت جز این است؛ شیوه رفتار با اسرا را در حقوق اسلامی باید از یک سری منابع اصیل، همانند سیره رسول اکرم (ص) مستفاد نمود. باید به این نکته توجه نمود که هرچند اسیر به عنوان یک انسان در بند، آزادی ندارد و برای یک مدت زمان مشخص در دست مسلمین است اما در عوض از یکسری حقوق و امتیازاتی بهره‌مند می‌شود که در راس همه آنها احسان بوده که در روایات نیز بر آن تاکید شده است (حجازی، ۱۳۹۴: ۱۶۵). احسان دارای دامنه وسیعی بوده و شامل حقوق رفاهی، قضایی، خانوادگی و... است. حضرت رسول (ص) زمانی که یک اسیر را جهت نگهداری به یکی از اصحاب می‌سپردند، می‌فرمودند با او به نیکی رفتار نمایید. دایره مفهومی این جمله بسیار فراتر از حقوقی است که امروزه در اسناد حقوقی بین‌المللی برای اسرای جنگی تدوین شده است. چرا که احسان می‌تواند معنا و مصادیق بسیاری را دربر داشته باشد. در این نگاه، اسرای جنگی نه به عنوان انسان‌های قابل ترحم، بلکه به عنوان انسان‌های شریفی فرض می‌شوند که شایسته کرامات و نیکی هستند (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۱۶-۱۷).

۲-۲- آزاد نمودن اسرا و شیوه‌های مختلف آن در سیره پیامبر اکرم (ص):

با مذاقه در مباحث پیشین و آتی مشخص می‌شود که اسرای جنگی در دوران پیامبر (ص) شرایط خوبی داشتند. با توجه به رویکردی که حضرت درباره اسرا داشت، حقوق آنها به صورت کامل رعایت می‌شد و به آنها ظلم و ستم نمی‌شد، معمولاً به جز یک سری موارد استثنایی سرنوشت اسیران به من و فداء منتهی می‌شد و اسرا آزاد می‌شدند. این قاعده در مورد اسرای جنگ بدر، جنگ بنی مصطلق، جنگ خیبر، فتح مکه، جنگ حنین و... نیز رعایت شد. رسول اکرم (ص) در جنگ بدر تعدادی از اسرا را با فدیة و تعدادی را بدون فدیة آزاد کردند. اسرای جنگ بنی مصطلق نیز همگی بدون فدیة آزاد شدند (ابن سعد، ۱۴۱۸: ۴۹). ایشان بر همه یهودیان در جنگ خیبر منت گذارده و آزادشان نمود و طی یک رویکرد انسان‌دوستانه سرزمین خیبر را در اختیارشان قرار داد تا در آنجا به کشاورزی بپردازند. همچنین در فتح مکه نیز از قتل اسرا به شدت جلوگیری نموده و در یک رفتار بی‌سابقه بر همه آنها منت گذاشته و طی یک عفو عمومی همه آنها را آزاد کرد. ایشان در جنگ حنین نیز بر منع قتل اسرا به شدت تاکید داشته و در یک رویکرد بی‌ظنیر هزاران تن از اسرای هوازن را بدون فدیة آزاد نمود و اصولاً فرمان و شعار پیامبر اکرم (ص) «منع قتل اسیر» بود (طبری، ۱۳۸۷: ۸۷).

تبعیت نماید. پیامبر اکرم (ص) شاعری به نام ابوعزه را در جنگ بدر آزاد نمودند، مشروط به آنکه بعد از آزادی نباید به هیچ گروهی که با پیامبر (ص) سر جنگ دارند، ملحق شود که شرح آن در مبحث پیشین آمد.

۳-۲-۲- آزادسازی غیرمشروط:

در صورت دوم که فقها از آن به «من» یاد می‌کنند، امام و رهبر مسلمانان با توجه به مصالح اسلام و مسلمانان، اسرا را بدون هیچ شرط یا دریافت مالی آزاد می‌کند. به موجب آیه ۴ سوره شریفه محمد «فَسَدُّواِ الْوَتَاَقَ فَاِمَا مَنَا بَعْدُ وَاِمَا فِدَاَاءُ»، نخست همین معنا (منت گذاشتن و آزاد کردن) را مطرح می‌کند، چنانکه در روایات نیز همین حکم بیان شده است. پیامبر اسلام (ص) بعضی از اسرا را در جنگ بدر به همین صورت آزاد نمودند. بسیاری از فرماندهان قریش بعد از فتح مکه با آن که بیشترین آزار را نسبت به پیامبر (ص) روا داشته بودند، آزاد شدند، آنها در طی ۱۳ سال حضور در مکه تا حد توان به پیامبر (ص) ظلم نموده و نهایتاً نیز توطئه ترور ایشان را پایه‌ریزی نمودند، اما ایشان آنها را آزاد نمود و خطاب به آنها فرمودند: بروید که شما از آزاد شدگان هستید (ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۲۹۸). اشخاصی را نیز به علت دارا بودن بعضی صفات عالی و کمالات آزاد نمودند.

۴-۲-۲- مبادله اسرا:

یکی از رایج‌ترین شیوه‌های آزادسازی اسیران مبادله است. به عنوان نمونه پیامبر (ص) «عمرو بن ابوسفیان» را با فردی به نام «سعد بن نعمان بن اکال» مبادله نمودند (طبری، ۱۳۸۷: ۹۸۳). در واقع دولت اسلامی نباید سربازان اسیر مسلمان را فراموش نموده و تا حد امکان باید امکان آزادیشان را از شیوه‌های مناسب فراهم کند و یکی از ستهای پیامبر (ص) این بوده که می‌فرمودند: امکان آزادی اسرای مسلمان را فراهم کنید (خدوری، ۱۳۸۸: ۱۹۴). از آنجایی که مبادله اسرا در دین اسلام دارای نکات مثبتی می‌باشد و از یک جهت می‌تواند در معرفی حقوق بشردوستانه اسلامی نقش مهمی ایفا نماید در ذیل به نمونه‌هایی از این مبادلات در تاریخ اسلام اشاره می‌نمایم:

اولین مبادله اسیر در تاریخ اسلام، مبادله دو تن از مردم مکه با «سعد بن وقاص» و «عنه بن غزوان» از یاران پیامبر (ص) بود. این دو تن در سریه عبدالله بن جحش در جستجوی شتر گمشده خود از جمع مسلمانان جدا شده بودند، که به اسارت مردم مکه درآمدند. مردم مکه هنگامی که از پیامبر (ص) خواستند در برابر فدیة مالی، دو نفر اسیر مشرک به نام «عثمان بن عبدالله» و «حکم بن کيسان» را آزاد نماید فرمود: ما از شما بهای مادی نمی‌خواهیم، بلکه از شما می‌خواهیم که در برابر

آزادی اسیران خود، دو یار ما را آزاد سازید و آنان نیز چنین کردند. بدین ترتیب اولین مبادله اسیر بین مسلمانان و غیرمسلمانان انجام شد.

دومین مبادله ای که در دوران پیامبر(ص) رخ داده است، مربوط به اسیران جنگ بدر است، که بیشترین آنها در مقابل فدیة مالی آزاد شدند. تنها، یکی از اسرا که از قبیله بنی عقیل بود، باقی ماند. وی با قبیله ثقیف هم پیمان بود و قبیله مزبور دو تن از مسلمانان را در اسارت داشت. پیامبر(ص)، اسیر یاد شده را نگه داشت و او را با آن دو مسلمان اسیر مبادله نمود.

سومین مبادله اسیر، مبادله ای است که بین پیامبر(ص) و مردم مکه بعد از جنگ هوازن رخ داد. ابن ماجه در سنن خود از سلمه بن الاکوع روایت کرده که در جنگ هوازن دختری از زیباترین زنان عرب در اختیار من قرار گرفت؛ پیامبر(ص) مرا در بازار مدینه دید و فرمود: «لله أبوک ههنا لی» و من نیز کنیز را به پیامبر(ص) بخشیدم و پیامبر(ص) نیز آن کنیز را به مکه فرستاد و با اسیران مسلمانی که در مکه بودند مبادله نمود(ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۹۷-۹۸).

۲-۲-۵- آزادی بواسطه دخول ماه رمضان:

رسول خدا(ص) با حلول ماه رمضان اسیران جنگی را آزاد می کرد. در روایات آمده است: «کان رسول الله(ص) اذا دخل شهر رمضان اطلق کل اسیر»(رسول خدا(ص) با حلول ماه رمضان تمامی اسیران جنگی را آزاد می کرد). این روایت هم در منابع شیعی، مانند مناقب و هم منابع اهل سنت آمده است(رحمانی، ۱۳۹۲: ۲۵۵).

۲-۲-۶- آزادی به واسطه اخذ فدیة و انواع آن:

دومین مطلبی که در آیه چهارم سوره محمد(ص) به آن اشاره شده مساله «فداء» یعنی فدیة گرفتن است. فدیة عوضی است که در مقابل آزادی اسیر پرداخت می شود چنانکه در نبرد بدر اسیرایی چون ابوالعاص ربیع، عباس بن عبدالمطلب، عقیل بن ابی طالب و نوفل بن حارث بن عبدالمطلب از خویشاوندان رسول با پرداخت فدیة آزاد شدند(بلاذری، ۱۴۰۴: ۳۰۶) و آن حضرت آن را میان مسلمانان قسمت کرد. این عوض ممکن است پول، کالا، خدمت یا مبادله اسرای خود و یا همکاری در امور جنگی باشد.

۲-۲-۶-۱- فدیة مالی:

در جنگ بدر ۷۰ تن از اسرای قریش بسته به موقعیت و توانایی مالی خود و با دریافت ۱ تا ۴ هزار درهم آزاد شدند(واقعی، ۱۴۱۴: ۱۳۸-۱۴۳).

در جنگ بدر بعضی از اسرای کافر متعهد شدند که به چند نفر از فرزندان انصار سواد بیاموزند و در قبال این خدمت آزاد شوند (ابن حنبل، ۱۴۱۰: ۲۴۷). در روایت دیگری بیان شده است که در بین اسرای قریش افرادی با سواد بودند که توانایی پرداخت فدیة هزار درهمی را نداشتند و متعهد شده بودند که هرکدامشان به ۱۰ نفر از پسران انصار خواندن و نوشتن بیاموزند تا از این طریق آزاد شوند. زید بن ثابت از همین راه با سواد شد. همچنین پیامبر (ص) به زنی که اطلاعاتی از دشمن ارائه نموده و در سریه زید بن حارث اسیر شده بود منت گذاشته و آزادش کرد (ابن سعد، ۱۴۱۸: ۵۶۲-۵۶۳).

۲-۳- تبعیض مثبت (روا) در قبال رفتار با اسیران جنگی صاحب منصب و فرمانده:

مسئلاً اشخاصی که به اسارت گرفته می‌شوند همگی دارای جایگاه اجتماعی یکسان نیستند، بلکه از مراتب متفاوتی برخوردارند، که رعایت این مساله در قبال اسیران جنگی در حقیقت نوعی نیکی و تبعیض مثبت است که پیشوایان دینی ما به آن سفارش کرده‌اند. این مساله در سیره پیامبر (ص) دارای جایگاه ویژه‌ای بوده است و در این راستا می‌توان از مصادیقی نیز نام برد. از جمله عطف و احترام نسبت به دختر حاتم طایی. حضرت واقعاً برای اشخاص بزرگواری که به اسارت درآمده بودند، احترام خاصی قائل بودند. همانطور که در فوق آمد ایشان سفانه دختر حاتم طایی که از افراد شهیر عرب و جزء سخاوتمندان بود را در کنار مسجد و یا در خانه رمله دختر حارث که هر دوی آنها مکان‌های بسیار مناسبی بودند، نگهداری نموده و در نهایت نیز با احترام تمام و کمال و با هدایای بسیاری سفانه و خانواده اش را نزد برادرش عدی بن حاتم فرستاد (واقعی، ۱۴۱۴: ۹۸۸-۹۸۹). ثمامه بن آثال حنفی که بزرگ و سرور منطقه یمامه بود، در یکی از سریه‌ها به دست سپاه اسلام اسیر شد و او را به مدینه آوردند. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله او را دید فرمود: «آتدرون من أخذتم؟! هذا ثمامه بن آثال الحنفی، آحسنوا أساره» هیچ می‌دانید چه کسی را به اسارت گرفته اید؟! این ثمامه بن آثال حنفی است، در دوران اسارتش به او نیکی کنید. سپس به خانه رفت و فرمود: آنچه از غذا نزدتان هست آماده کنید و نزد ثمامه بفرستید و دستور داد شتر شیرده حضرت را هر صبح و شام نزد ثمامه ببرند تا هر قدر می‌خواهد از شیر آن استفاده کند. شگفت اینکه این الطاف و محبت‌ها در حالی اعمال می‌شد که ثمامه در حالت کفر به سر می‌برد و هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به او می‌فرمود: «اسلم یا ثمامه» ثمامه مسلمان شو، او در پاسخ حضرت می‌گفت: ای محمد از این سخنان دست بردار! (ابن هشام، بی تا: ۲۸۷-۲۸۸) در جنگ حنین که زنان و فرزندان دشمن به اسارت سپاه

اسلام درآمدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله اسیران را برای نگهداری به منطقه جعرانه فرستاد ولی نکته بسیار جالب، انسان دوستانه و خرد پسندانه اینکه همسر و فرزندان مالک بن عوف فرمانده کل سپاه کفر را با احترام و اکرام کامل به شهر مکه نزد ام عبدالله عمه آنان فرستاد تا با حرمت و کرامت نزد او نگهداری شوند و شخصیت اجتماعی آنان محفوظ بماند (واقدی، ۱۴۱۴: ۹۵۵).

با درک مراتب فوق باید اذعان نمود که اعمال تبعیض منفی و ناروا بین اسرای جنگی، به هیچ عنوان جایز نیست و نظر دین اسلام نیز در این مورد کاملاً صریح و روشن است؛ اما واقع گرایی اسلام این اجازه را نمی‌دهد که با همه اسرای جنگی، بدون در نظر داشتن موقعیت و منزلت اجتماعی آنها، به یک شیوه رفتار شود. اسلام روا داشتن الطاف متناسب با موقعیت اسیران را در واقع، به مانند تضمین حداقل ملاحظات انسانی در حق اسرا به حساب می‌آورد. در همین راستا رسول اکرم (ص) فرموده- است: «اگر فردی در دست شما اسیر شد که وی روزی دارای شئون والای اجتماعی بود و هم اکنون جایگاه خود را از دست داده است، با او به احسان و نیکویی رفتار نمایید» (الزحیلی، ۱۴۱۹: ۴۱۲).

۴-۲- اصل تفکیک در آراء و رویکرد پیامبر اکرم (ص) با تاکید بر زنان به عنوان یکی از

مظاهر اصل تفکیک:

در آموزه‌های جنگ و جهاد در اسلام همیشه بر این اصل مهم تاکید شده است که: «در جنگها مردم رو در روی یکدیگر قرار نمی‌گیرند و این حکومت‌ها هستند که به مقابله با هم می‌پردازند، لذا تا جایی که الزامات و ضروریات نظامی ممکن می‌سازد، افراد باید مصون از تعرض باشند. البته مقصود از مصونیت این است که اشخاصی که در جنگها مشارکت ندارند، مانند: کودکان، زنان و سالخورده‌گان از مصونیت برخوردار هستند. اما در حقوق بین‌الملل به محض آنکه افراد مزبور در جنگ مشارکت نمایند، به اهداف نظامی تبدیل می‌شود. اگر یک فرد غیر نظامی در جنگ مشارکت نماید، در صورت بازداشت از وضعیت اسیر و حقوق حقه آن بهره‌مند نخواهد شد، اما این تفکیک در حقوق بشردوستانه اسلامی وجود ندارد. به عبارت دیگر در جنگهای صدر اسلام، بعد از این که دشمن شکست می‌خورد همه افرادی که اسیر شده بودند از امتیازات اسرای جنگی بهره‌مند می‌شدند (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۱۰-۱۱۵).

در دین اسلام و در راستای اصل تمایز و تفکیک نه تنها به آزار و اذیت زنان رضایت داده نمی‌شود، بلکه تاکیدات بسیاری برای احسان و نیکی در خصوص آنها وجود دارد. سیره حضرت رسول (ص) در جنگ خیبر موید این موضوع است؛ زمانی که محاصره دژ معروف خیبر با غلبه سپاه

اسلام خاتمه یافت، دو نفر از زنان یهودی توسط بلال اسیر شدند و او آنها را به مرکز فرماندهی منتقل می‌کرد، که در این اثنا ناچار شد که از میدان جنگ عبورشان دهد. هنگامی که چشمان زنان به اجساد خویشاوندان خود افتاد؛ بسیار ناراحت شده و یکی از آنها فریادی حزن انگیز برآورد. پیامبر (ص) به دلیل این رفتار بلال، او را سخت مورد سرزنش قرار داد و به او گفتند، مگر رحم از قلب تو رخت بر بسته است که این دو نفر را از کنار اجساد مردانشان عبور می‌دهی؟ (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵)

رسول اکرم (ص) نه تنها قتل زنان و اسارت آنها را بر نمی‌تابیدند، بلکه با توهین کنندگان به آنها و نیز افرادی که در پی توهین به آنان بودند، برخورد نموده و آنها را کیفر می‌دادند؛ ایشان فردی به نام ماع که سخنان بسیار زشتی را به زنان دشمن می‌زد، از ورود به خانه‌اش ممنوع ساخته و او را توبیخ نمود و تبعیدش کرد (بیهقی، ۱۴۰۵: ۱۶۱) پیامبر (ص) در زمان اعزام سپاه اسلام به میدان نبرد، همیشه توصیه می‌نمودند: «به نام خدا، برای خدا، در راه خدا و مطابق آموزه‌های رسول خدا حرکت نموده، به هیچ عنوان افراط نکنید و به اموزی چون خیانت، مثله نمودن اجساد و قتل غیرنظامیان نپردازید» (عاملی، ۱۴۱۶: ۴۳). قاعده «جنگ صرفاً با جنگجویان» مستنبط از آیه مبارکه و سیره نبوی، از قبائل آمرانه جهاد در دین اسلام است. اشخاصی که نظامی نیستند یا دلیل بر نظامی بودن آنها وجود ندارد، یا اشخاصی که توانایی جنگیدن ندارند مورد حمایت اسلام هستند. رعایت این اصل، یک تکلیف دینی است (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۶۷-۸۶). پیامبر اکرم (ص) هر زمانی که مشاهده می‌نمودند که به زنان تعرض می‌شود به شدت با آن برخورد نموده و متخلف را بازخواست می‌کردند. چنانکه در یکی از جنگها، جنازه زنی یافت شد؛ ایشان با دیدن این صحنه به شدت غمگین شدند و سوال کردند چه کسی او را به قتل رسانده است؟ پاسخ شنیدند: خالد بن ولید. پیامبر (ص) فردی را به دنبال خالد فرستادند و ضمن مجازات او تاکید فرمودند که از قتل زنان و کودکان پرهیزید. همچنین ایشان در زمان جنگ خیبر که اشخاصی را جهت قتل ابن ابی الحقیق اعزام نمودند به آنها فرمان دادند که از قتل زنان پرهیز کنید (ذهبی، ۱۴۰۹: ۳۴۲)

اقدامات پیامبر (ص) درباره زنانی که اسیر می‌شدند و مطابق قوانین جنگ‌های آن زمان می‌بایست به عنوان کنیز در اختیار نیروهای فاتح قرار گیرند نیز نشان‌دهنده توجه ویژه آن حضرت به حمایت از زنان بود. در غزوه بنی المصطلق که در سال ششم هجری اتفاق افتاد، تعدادی زیادی از زنان این قبیله به اسارت مسلمانان درآمدند که از جمله آنها جویریة، دختر حارث رئیس قبیله بود. این اسیران مطابق سنت‌های آن زمان به عنوان غنیمت تحت مالکیت نیروهای پیروز درمی‌آمدند و می‌بایست فدیه خود را

می‌دادند و آزاد می‌شدند یا تمام عمر را در بردگی به سر می‌بردند، اما پیامبر(ص) در این غزوه نیز با سیاستی هوشیارانه زمینه آزادی اسیران بنی المصطلق را که بیشتر آنها زنان بودند، فراهم کرد. تاجایی که هیچ زنی از بنی المصطلق در مدینه نماند، مگر آنکه آزاد شد(طبری، ۱۳۸۷: ۶۱۰)

۵-۲- جایگاه بردگی و برده داری در رویکرد پیامبر اکرم(ص): امضایی یا تاسیسی؟

دین اسلام برای استیفای حقوق بردگان اقدامات بسیاری انجام داده و شخصیت انسانی آنها را احیا نموده است تا جایی که از منظر حیثیت انسانی هیچ تمایزی بین افراد آزاد و بردگان وجود نداشته و میزان ارزش افراد را در تقوا می‌داند، به نحوی که حتی پستهای مهم سیاسی و اجتماعی را به بردگان می‌دهد. در همین راستا رسول اکرم(ص) بسیار تلاش نمودند که برده‌های موجود که پیش از اسلام بنده شده بودند را آزاد کنند و به هیچ عنوان ایشان بردگی را تاسیس ننموده و همانطور که در کتب فقهی و حدیث مشخص است، هیچ باب یا فصلی راجع به بردگی وجود ندارد و هر آنچه است راجع به آزادی بنده است که مربوط به برده‌های حاضر می‌باشد که قبل از اسلام بنده شده‌اند. منطقی نیست که اگر بردگی مشروع می‌بود، پیامبر اکرم(ص) قواعدی برای شیوه تملک برده و حق مالک و مملوک بیان نکند و این خود محکم‌ترین سند است که بندگی در دین اسلام پایه محکمی ندارد. لذا اگر برخی از مسلمانان جاهل مرتکب عمل خلافی می‌شوند، هیچ ارتباطی به تعالیم اخلاقی و آموزه‌های انسانی حضرت رسول ندارد. ایشان هر چند دفعتاً آزادی بردگان موجود را اعلام نمودند، اما اقدامات بسیار و درخوری را جهت آزادی آنها و برانداختن اصل بردگی انجام داده‌اند.

آنچه محرز است این است که پیامبر اکرم(ص) برده‌داری را لغو نکرده؛ یعنی مالکیت بردگان را کان لم یکن ننموده است. دلیل این امر آن است که در آن دوران برده‌داری نقش اساسی در مالکیت داشت و اگر پیامبر(ص) دست به چنین اقدامی می‌زدند یقیناً با مشکلات اجتماعی بسیاری روبرو می‌شدند و لذا سیاست دیگری را در پیش گرفته که به این واسطه به صورت تدریجی و ریشه‌ای بردگی محو شده که در این امر نیز کاملاً موفق بوده که امروزه شاهد هستیم که در هیچ یک از جوامع اسلامی برده‌داری مرسوم نبوده و اساساً وجود ندارد(محقق داماد، ۱۳۹۲: ۷۲۸).

نکته مهمی که در خصوص سیره پیامبر(ص) در مورد برده‌داری باید اذعان نمود این است که ایشان به هر دلیلی و با وقوع هر مناسبت و بهانه‌ای اسیران را آزاد نموده که یک نمونه از آن آزاد نمودن بالغ بر شش هزار اسیر در جنگ حنین است. سوالی که اینجا به ذهن می‌رسد آن است که اگر یک دین قصد داشته باشد به ترویج برده‌داری بپردازد و بردگان زیادی را در اختیار داشته باشد آیا به

همین سهولت و به صرف خواهش یکی دو نفر این تعداد از اسیر را آزاد می‌نماید؟ حقیقتاً باید اذعان نمود که نسبت به تحقیق و شناخت در دین اسلام و احکام آن کوتاهی شده است. به فرمایش حضرت علی (ع) بر دین اسلامی پوستین وارونه پوشیده‌اند والا هر شخص منصفی معترف خواهد بود که در زمان پیامبر اکرم (ص) با وجود آن همه قدرت اما مسائل اخلاقی رعایت شده که این امر با این کیفیت در هیچ مکتبی مشاهده نشده است (فیاض، ۱۳۷۵: ۱۷۳-۱۷۴).

عایشه، زوجه رسول الله (ص) برده‌ای داشت که در نماز به او اقتدا می‌کرد (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۴۱-۱۴۲). کدام نظامی جز حکومت اسلامی و کدام حاکمی جز حاکم الهی چنین مقام و جایگاهی برای برده‌ها قائل می‌شود؟ اوج مدارا، مروت و کرامت انسانی در سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع) قابل مشاهده است. دلسوزی‌های آن حضرت به همین جا ختم نمی‌شود؛ بلکه در دفاع از حقوق آنان می‌فرماید: «هرکسی غلامش را بکشد، او را می‌کشیم؛ هرکسی عضوی از پیکرش جدا کند، عضوش را قطع می‌کنیم و هرکس غلامش را اخته کند، وی را اخته می‌کنیم» (نسائی، ۱۹۲: ۱۴۲۱). پیامبر (ص) از تحقیر بردگان در نامگذاری نپی کرد و از بکارگیری نامهایی برای آنها که گویای وضعیت بردگی ایشان بود و آنها را از غیربردگان متمایز می‌ساخت خودداری می‌کرد و برای آنها نامهایی همچون نام غیربردگان می‌نهاد. ایشان لفظ نیکوی "فتی" (جوان) را در مورد بردگان به کار می‌برد و از استعمال الفاظی مانند "عبد" پرهیز داشت (مطهری، ۱۳۹۰: ۶۳۰). رسول الله (ص) همواره مسلمین را از گفتن جمله «دست‌آموز یا برده من» منع می‌فرمود. او همیشه مسلمانان را اندرز می‌فرمود که بردگان خود را «جوان دختر من، یا جوان پسر من» بخوانند.

در همین راستا می‌توان به روایتی اشاره نمود. حضرت زهرا (س) امور منزل را مطابق فرمان پیامبر (ص) به صورت عادلانه میان خود و فضا تقسیم نموده بود. یک روز ایشان به امور منزل رسیدگی می‌نمود و یک روز فضا. روزی سلمان مشاهده کرد که حضرت زهرا (س) با آسیای دستی، مشغول آرد نمودن جو می‌باشد و بر اثر زخم دستش، آسیاب خون آلود شده و در همین اثنا امام حسین (ع) که در آن زمان یک کودک شیرخواره بود، در کنجی از منزل و از فرط گرسنگی به خود می‌پیچید، سلمان از حضرت زهرا (س) سوال پرسید: ای دختر پیامبر (ص)! این فضا است که به عنوان خدمتکار نزد شماست. چرا این کار را به او نمی‌سپاری؟ ایشان در پاسخ فرمودند: پیامبر (ص) به من سفارش کرده‌اند که به صورت عادلانه یک روز او کار کند و روز دیگر من، دیروز نوبت او بود و امروز نوبت من (علامه مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۸ و ۸۵) در پایان باید اشاره نمود که رویکرد پیامبر (ص) در

قبال بردگی و برده‌داری این بود که در یک اقدام زیربنایی منبع اصلی تولید برده را ریشه کن نماید. یقیناً در آن دوران اسیران جنگی و جنگ به عنوان منابع اصلی تولید برده بودند و با نزول آیات شریفه مرتبط در قرآن کریم برده سازی اسیران جنگی ممنوع اعلام شد تا به این واسطه تولید بردگان جدید متوقف شود. در این میان آنچه باقی ماند بردگان موجود از پیش و تولید مثلی بود که از این طریق صورت می‌پذیرفت. راهبردی که در حقوق بشر دوستانه اسلامی برای آزاد نمودن آنها اتخاذ شد، این بود که برده داری را به صورت تدریجی کان لم یکن سازد (محقق داماد، ۱۳۹۲: ۷۲۸).

۶-۲- تاملی بر برخی اعمال ممنوعه در جنگ از منظر پیامبر اکرم (ص):

در این بحث قصد داریم به بعضی از اعمال ممنوعه در جنگ از دیدگاه حضرت رسول اکرم (ص) بپردازیم. البته شایان بیان است که اعمال ممنوعه، منع رفتار غیرانسانی، منع شکنجه و منع جدایی بین اعضای خانواده از باب تمثیل، نه احصاء در ذیل بررسی می‌شوند.

۱-۶-۲- رفتار غیرانسانی:

یکی از قواعد قطعی حقوق بشر دوستانه اسلامی، الزام به رفتار انسانی با اسرای جنگی است که از ثمرات آن فقدان مجوز مجازات‌های دسته جمعی و اعمال انتقام جویانه است. این قاعده کاملاً با موازین اسلامی سازگار می‌باشد. هرگز مشاهده نشده است که گروهی بعد از تسلیم شدن به طور دسته جمعی از جانب سپاه اسلام به قتل رسیده باشند. طرز رفتار رسول خدا با اهل مکه در پی فتح این شهر بهترین سند جهت تصدیق این ادعا است. پیامبر (ص) همه آنان را آزاد کردند که در تاریخ اسلام از آنان به عنوان «الطلاق» یعنی کسی که تا زمان فتح همچنان مشرک باقی بودند و آنگاه آزاد شدند، یاد می‌گردد (ابن کثیر، ۱۳۸۳: ۵۵). دین اسلام یکی از اقدامات غیر انسانی که غالباً در جنگها انجام می‌شد را، کان لم یکن نمود و آن هم تحریم دشمن از آب و غذا بود. مطابق قواعد حقوق بشر دوستانه بین الملل باید با افراد مجروح و بیمار دشمن با احترام و به طرز انسانی رفتار شود. در آموزه های حقوقی اسلام به قاعده مزبور توجه خاصی شده است که این رفتار انسانی به حفظ کرامت اجساد نیز تسری می‌یابد.

۲-۶-۲- شکنجه:

دین مبین اسلام با بنیان نهادن اصول و مبانی انسانی رفتاری با اسرای جنگی، آنها را در سایه عطف و رحمت خود، از تعرضات غیر انسانی مصون دانست. تاریخ اسلام سراسر حاکی از حوادثی است که گویای رفتارهای انسانی و تاکید بر منع شکنجه نسبت به اسیران جنگی می‌باشد. ایشان به

سپاهیان خود دستور دادند: هیچ مقتولی را مثله نکنید. مثله کردن دشمن جایز نیست و حق ندارید اجزای بدن آنها را ببرید. از آنجایی که مثله نمودن به صورت مطلق در فرمایشات پیامبر (ص) به کار رفته است، شامل بازه زمانی حین جنگ، پس از جنگ، پیش از مرگ و پس از مرگ نیز می-شود (رونور، ۱۳۹۳: ۷۳).

۳-۶-۲- جدایی بین اعضای خانواده:

از روایات متعدد و نیز از سیره رسول خدا (ص) مستفاد می‌شود که جدا کردن فرزند از مادر که هر دو اسیر هستند جایز نیست. «ابوسعید ساعدی» تعدادی اسیر خدمت رسول اکرم (ص) آورد، پیامبر (ص) مشاهده کرد که زنی از میان ایشان گریه می‌کند، به او فرمود: «برای چه گریه می‌کنی؟» گفت پسر من در میان قبیله «بنی عبس» به فروش رفت. آن حضرت خطاب به ابوسعید فرمود: «سوار می‌شوی و آن (پسر) را می‌آوری؛ همچنان که فروخته ای». ابوسعید سوار شد و پسر آن زن را برگرداند (احمدی میانجی، ۱۴۲۲: ۲۲۸). همچنین ابو ایوب از پیامبر (ص) نقل می‌کند که می‌فرمود: من خرق بین والده و ولدها فرق الله بینه و بین احتبه یوم القیامه» (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۱) «هر کس میان مادر و فرزندش جدایی اندازد، خدای متعال در روز قیامت میان او و عزیزانش جدایی می‌اندازد». سنت پیامبر (ص) بر این بود که حتی در میان اسرا هم جدایی میان دو برادر نمی‌انداخت (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۴۲).

نتیجه‌گیری

با مطالعه تاریخ در می‌یابیم که جنگ، خشونت و خونریزی واقعیت اجتناب ناپذیر حیات بشری بوده و تلاش‌های مصلحان برای مقابله با این پدیده مخرب و تهدیدگر حیات و شان انسانی، در عمل به نتیجه نرسیده و نتوانسته است جنگ را متفی کند. به جرات می‌توان ادعا کرد ادیان الهی و مصلحان مذهبی از جدی‌ترین مدافعان نفی جنگ و خشونت هستند، بویژه دین مبین اسلام و پیامبر عظیم الشان (ص) که منادی وحی است و کلام و پیام خداوند را به مردم ابلاغ می‌کند و نیز تداوم‌دهندگان راه پیامبر (ص) یعنی امامان بزرگوار که رسالت هدایت را تمام و کمال به انجام رسانده و خواهند رساند. هدف از جنگ و جهاد در اسلام ارشاد و هدایت انسانها به راه حق و دعوت از آنها به سوی خداوند و رهایی شان از ظلمت به سوی نور می‌باشد. مسلمانان الگوی رفتار با اسرای جنگی را از پیامبر اکرم (ص) آموخته‌اند که می‌فرمودند همواره اسرا را بر خود مقدم داشته و به آنها احسان و نیکی نمایند. نکته حیاتی در خلال جنگهای خونین آن دوران این بود که با توجه به دستورات ایشان به

سپاهیان اسلام در جهت رعایت رفتار انسانی و اجرای قواعد دینی بشردوستانه نخستین قدم در مسیر تدوین قواعد جنگی در تاریخ حیات بشر طی شد. دستوراتی که ایشان در این زمینه صادر نمودند و سپس از جانب جانشینان ایشان به عنوان یک منشور قانونی به سربازان مسلمان ابلاغ شد، در اصول و مبانی تفاوت چندانی با حقوق بشردوستانه بین‌المللی امروزی نداشته و چه بسا در برخی مصادیق کامل‌تر نیز بوده است. این قواعد زمانی صادر شده است که جنگ به عنوان یک وسیله تحکیم قدرت پذیرفته شده بود و رفتارهای انسانی در جنگهای آن دوران چندان معنایی نداشته و این فاتحان جنگ بودند که تاریخ را می‌نوشتند و همیشه حق با آنها بود.

با تبیین و تحلیل دیدگاه و رویکرد حضرت رسول (ص) در قبال مقوله جنگ و حقوق اسیران جنگی می‌توان چنین نتیجه گرفت که نظام حقوقی اسلام سرشار از قواعد و مقرراتی است که بازه زمانی اعمال آنها حین جنگ و یا پس از جنگ، ولی مرتبط با جنگ است. قواعد اسلامی همگی بشردوستانه بوده و اصولاً کلمه اسلام مترادف صلح و صفاست. اما نباید از این مهم غافل شد که روح اسلام متشکل از صلح است ولی جنگ، منازعات انسانی و کشتار انسانها توسط یکدیگر نیز یک واقعیت انکارناپذیر جوامع انسانی است. در همین راستا پیامبر اکرم (ص) در جمع بین دو وضعیت نقیض یعنی «ملاحظات انسان دوستانه» و «ضرورت‌های نظامی» طی یک حدیث، رحم، مروت و جنگ را با هم تلفیق نموده و فرموده‌اند: «من پیامبر رحمت، عطوفت و مرد میدان نبرد و جهاد هستم». همانطور که واضح است ایشان در عبارت مزبور به تقدم انسانیت و مروت بر جنگ قائل بوده تا به این واسطه به رزمندگان اسلام باورانده شود که پیامبر اکرم (ص) نه شمشیر انهدام، بلکه بازوی عدالت هستند و این خصیصه کاملاً از رویکرد حضرت در مصادیقی چون: تکریم اسرا، منع شکنجه، حق بر اسکان شایسته، حق بر بهداشت و درمان، حق بر اطعام مقدمانه، حق بر احسان و ... که در طول تحقیق بدان‌ها پرداخته شد، پیداست.

منابع

- ابراهیمی، محمد (۱۳۹۱). اسلام و حقوق بین الملل عمومی، تهران: سمت، جلد دوم.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۴۲۹). شرح نهج البلاغه، مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، نور المهدی، قم: مکتبه آیة الله العظمی المرعشی النجفی (ره).
- ابن اثیر (۱۳۹۹). الكامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
- ابن سعد، کاتب واقدی (۱۴۱۸). الطبقات الكبرى، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (۱۴۰۸). البدایه و النهایه، بیروت: دارالفکر، جلد سوم.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد بن علی بیضون، جلد ۸.
- ابوزهره، محمد (۱۴۱۵). العلاقات الدولیه فی الاسلام، قاهره: الدار القومیه.
- احسانی فر، مهدی (۱۳۹۲). جنگ در فرهنگ اسلامی در: اسلام و حقوق بین الملل بشردوستانه، جمعی از نویسندگان، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین الملل، تهران: میزان.
- احمدی میانجی، علی (۱۴۲۲). الاسیر فی الاسلام، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- استرآبادی، احمد بن تاج الدین (۱۳۷۴). آثار احمدی (تاریخ زندگانی پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع))، تهران: میراث مکتوب.
- اسماعیل بن کثیر (۱۳۸۳). السیره النبویه، بیروت: داراحیاء التراث العربی، جلد چهارم.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۰۴). فتوح البلدان، به کوشش رضوان محمد رضوان، قم: کتابفروشی ارومیه.
- بلاغی، محمد جواد (۱۹۹۳). الرحله المدرسیه، بیروت: دارالمرتضی.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین (۱۴۰۵). دلائل النبوه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- پروین، خیرالله؛ عالی، حامد و شفقی، محمدجواد (۱۴۰۰). «جایگاه غیر اهل کتاب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با نگاهی به مبانی دینی آن»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دهم، شماره اول، صص ۶۳-۹۰.
- جمعی از پژوهشگران موسسه دایره المعارف فقه اسلامی زیر نظر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی (۱۳۸۷). موسوعه الفقه الاسلامی طبق المذهب اهل بیت، قم: موسسه دایره المعارف فقه اسلامی، جلد ۱۳.
- حجازی، محمد علی (۱۳۹۴). حقوق اسیران جنگی، تهران: میزان.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.

خدوری، مجید (۱۳۸۸). جنگ و صلح در قانون اسلام، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران: اطلاعات. ذهبی، شمس الدین (۱۴۰۹). تاریخ الاسلام و فیات المشاهیر و الاعلام، بیروت: دارالکتب العربی. رحمانی تیرکلایی، حسین (۱۴۰۱). «بررسی تطبیقی بنیادهای اخلاقی حاکم بر حقوق بشر اسلامی و غربی»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال یازدهم، شماره اول، صص ۱۱۵-۱۳۳. رحمانی، محمد (۱۳۹۲). نقش اصول و قواعد اسلامی در توسعه حقوق بشردوستانه، در اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، جمعی از نویسندگان، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌الملل، تهران: میزان.

رونور، مهدیه (۱۳۹۳). بررسی فقهی کنوانسیون ژنو سال (۱۹۴۹) در ارتباط با حقوق اسیر جنگی، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مهدی رهبر، قم: دانشگاه قرآن و حدیث.

الزحیلی، وهبه (۱۴۱۹). آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دمشق: دارالفکر.

زینی دحلان، احمد (۱۴۲۱). السیره النبویه، بیروت: دارالفکر.

ستایش پور، محمد و احمدی، الناز (۱۴۰۰). «حق بر بهداشت از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دهم، شماره بیست و دوم، صص ۱۰۱-۱۱۷.

شیخ طوسی (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: المکتبه المرتضویه.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۳). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: نشر دفتر انتشارات اسلامی، جلد ۲، ۵، ۹ و ۱۴.

طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۷ق). تاریخ الطبری، بیروت: دارالتراث.

عبدالمالک بن هشام حمیری (بی تا). سیره ابن هشام (السیره النبویه)، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴). بحارالانوار الجامعه لدرر، اخبارالائمہ الاطهار، بیروت: موسسه الوفا.

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۱). حقوق بشردوستانه بین‌المللی از منظر اسلام، تهران: دانشگاه تهران.

فیاض، عباس (۱۳۷۵). احکام جنگ (جهاد) در اسلام و مقایسه آن با قوانین بین‌المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مهدی صانعی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

کاتب واقدی، محمدبن سعد (۱۴۰۵). الطبقات الکبری، ۸ جلد، بیروت: دار بیروت الطباعة و النشر.

کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). اصول الکافی، (ط-الاسلامیه)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳). حقوق بشردوستانه بین‌المللی، رهیافت اسلامی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۲). حق استئسار در حقوق بین‌الملل اسلامی بر اساس کتاب و سیره نبوی، در: جمعی از نویسندگان، اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران: میزان.

محمودی کیا، محمد (۱۴۰۰). «بررسی مقایسه‌ای تعارضات هنجاری و گفتمانی نظام حقوق بشری اسلامی با نظام حقوق بشر اروپایی»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دهم، شماره چهارم، صص ۱۴۳-۱۶۳.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مجموعه آثار، قم: صدرا، جلد ۱۵.

مقامی، امیر؛ مومنی‌راد، احمد و علی پور، اشکان (۱۴۰۰). «مبانی، منابع و ابعاد حق تعیین سرنوشت از منظر اسلام»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دهم، شماره اول، صص ۲۸۱-۳۱۱.

مقریزی، تقی‌الدین (۱۴۲۰). متاع الاسماع بما للنبی من الاحوال و الاموال و الحفده و المتاع، بیروت: دارالکتب العلمیه.

میر شریفی، سید علی (۱۳۹۵). سرنوشت اسپر در اسلام بررسی تاریخی فقهی، تهران: سمت.

نسائی، احمد بن علی (۱۴۲۱). السنن الکبری، بیروت: موسسه الرساله.

واقدی، محمد بن عمر (۱۴۱۴). مغازی تاریخ جنگهای پیامبر، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی